

ادامه از صفحه اول

نقش زیبای معلم بر تابلوی تاریخ

شیخ عباس علی اسلامی هم از معلمانی است که مدارس شبکه‌ای را با کمک جمعی از خیرین و بازرگانان در سال‌های پس از سقوط پهلوی اول پایه‌گذاری کرد و نام آن مجموعه را جامعه تعلیمات اسلامی خدیجه نام‌گذاری کرد. نام‌های علامه و رضا روزبه اهمیت بسزایی دارد که دانش‌آموزان مستعد را انتخاب و تشویق می‌کردند و پایه‌های جدیدی در آموزش و تربیت گروهی از جوانان نهادند که آنها نیز به بسط این روال و روند و گسترش راهی که استادان‌شان پایه‌گذاری کرده بودند، پرداختند. انقلاب که شد تئورها آغاز شد؛ مطهری را در نزدیکی همان جایی که در همان روز، سال‌ها پیش خاتمی را هدف قرار داده بودند و مفتح را در آستانه ورود به همان محل درس و بخشش در برابر دانشکده الهیات دانشگاه تهران، به شهادت رساندند. بعد بهشتی و رجایی و باهنر را ترور کردند که کار اصلی آنها هم معلمی بود. جنگ که شد خیلی از معلم‌ها درس آخشان را نه با کج و تخته، که با تروچانشان دادند. محمد ابراهیم مهت، نه‌تنها به شاگردان کلاسش که به تمام شاگردان و معلمان و اصلا به تمام ایرانیان درس شجاعت و شهادت داد. جانش را کف دستش گرفت تا دشمنان، جان هموطنانش را نگیرند. در همین بهشت زهراي تهران، علاوه بر او، نام و مشخصات ۳۱۲ معلم شهید دیگر را می‌توان یافت. تلافی-طایفه معلم‌ها بعد از جنگ هم همان طایفه کم‌توقع و پرکاری بودند که فداکاری برایشان مانند نفس‌کشیدن عادی بود و از دل‌وچان برای بچه‌های این مرزوبوم کار می‌کردند. حسن امیزداده، معلم گیلانی، در سال ۷۶ برای نجات جان شاگردانش از آتش بخاری کلاس، به آتش زد و بچه‌ها را نجات داد و خودش در آتش گیر کرد و سروساموت و گلویش به‌شدت سوخت و بعد از ۱۵ سال تحمل رنج و درد بالاخره بر اثر عوارض همین سوختگی‌ها از دنیا رفت. در سال ۸۹، خانم معلم فداکار مشهدی، حمیده دانش، جانش را برای نجات جان دخترک دانش‌آموزی که در آب افتاده بود و نزدیک بود غرق شود، فدا کرد. در سال ۹۴ خانم معلم نهانودی، فاطمه مولوی، به همین شکل بی‌آنکه شُنا بدانند، برای نجات جان دانش‌آموزش به آب زد، اما هم دانش‌آموز را نجات داد و هم خود جان سالم به‌در برد. در همان سال، ریحانه بهشتی، معلم مشهدی که بر اثر سکتة مغزی از دنیا رفت، بنا تهیه کارت اهدای اعضا پیش از مرگش، به چند بیمار جان و توانی دوباره بخشید. در همان سالی که حسن امیزداده به آتش زد تا با مایه‌گذاریشتن از جان خود، دانش‌آموزانش را نجات بدهد، ادهم مظفری، معلم گُرد نیز در کامیاران برای نجات دانش‌آموزش از غرق‌شدن در رودخانه جان داد. معلم گُرد دیگری به نام محمدعلی احمدیان در سال ۹۲ تابلویی زیبا از همدلی با دانش‌آموزش آفرید. او که متوجه شد یکی از دانش‌آموزانش به علت بیماری نقص سیستم ایمنی دچار یزیش مو شده است برای همدلی با او سرش را تراشید و با سر تراشیده به کلاس درس رفت و همه دانش‌آموزان از معلم خود تأسی کردند. در همین سال ۹۵، حمیدرضا گنگووزی، معلم فداکاری از استان سیستان وبلوچستان، برای نجات جان دانش‌آموزانش از ریزش دیوار فرسوده، خود زیر آوار ماند و جانش را از دست داد. یاد علی‌رضا هادی‌نژاد، آن معلم روستاهای یزد می‌افتم که هرروز دانش‌آموز معلول خود را با وسیله‌ای شخصی از خانه به مدرسه می‌برد و او را پشت میز مدرسه می‌نشاند و برای حل مسئله دوباره او را در آغوش می‌گرفت و در پای تخته با آرامش تمام، چندان نگاه می‌داشت تا او مسئله ریاضی را حل کند. زیاد در انشاه‌ها و سخنرانی‌ها نوشته و شنیده‌ام که معلم چون شمع می‌سوزد و روشنی می‌بخشد. آن‌قدر زیاد که دیگر نمی‌بینیم و نمی‌شنویم که این جمله چقدر واقعی است. شاید به همین خاطر است که در دولت پیشین حتی نام دانشکده تربیت‌معلم را برتانیادینند و در اقامی‌های ناجیا، نام قدیمی‌ترین مرکز آموزش عالی کشور را که ۱۵ سال پیش از دانشگاه تهران تأسیس شده بود و یکی، دو سال دیگر صدمین سال آن را لایذ جشن می‌گیرند، از تربیت و معلم تهی کردند. به‌رحال، درست زمانی که خودستایی‌ها و تفاخرهای بیجای قومی و نژادی و شیوه‌های «نامحسوس» برای به‌اصطلاح تربیت جامعه را در خود و اطرافیانمان می‌بینیم، زنان و مردان آذری، گیلانی، تهرانی، یزدی، مشهدی، اصفهانی، نهاوندی، خوزستانی، کرد، سیستانی و بلوچ، همه جان بر سر کار شرافتمندانه تعلیم و تربیت فرزندان این مرزوبوم می‌گذارند و با هم یک سرور را می‌خوانند؛ سرود فداکاری برای انسان و کرامت انسانی.

شرق: چالش‌های زندگی کارگری که حدود ۴۰ درصد جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، آن‌قدر زیاد است که هفته کارگر، زمان کافی برای بررسی آنها نداشته باشد، اما پالین حال نگاهی به روند جنبش‌های کارگری و سیر تطور قوانین مربوط به این حوزه، می‌تواند گریزگاهی برای بهبود وضعیت کارگران باشد؛ درحالی‌که ایران هنوز دو مقاله‌نامه ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار را نپذیرفته است؛ هرچند تلاش‌هایی در این زمینه از سوی مسئولان در حال انجام است، اما هنوز این پذیرش شکل نگرفته است. با آغاز هفته کارگر، مؤسسه عالی پژوهش‌های تأمین اجتماعی در ادامه سلسله‌نشست‌های کارگری خود در دانشگاه‌ها، نشست «چالش‌های پیش‌روی تشکلهای کارگری در ایران» را در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار کرد. حسام نیکپور، معاون پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، محمدحسین خسروپناه، پژوهشگر جنبش‌های اجتماعی، حسین اکبری، فعال کارگری و مهدی حسین‌آبادی، جامعه‌شناس، در این نشست به سخنرانی پرداختند که به علت محدودیت، به انتشار بخشی از این سخنان پرداختیم. همچنین در بررسی سیر تاریخی جنبش‌های اجتماعی از سوی خسروپناه، پژوهشگر جنبش‌های اجتماعی، علاوه بر او، نام و مشخصات ۳۱۲ معلم شهید دیگر را می‌توان یافت. تلافی-طایفه معلم‌ها بعد از جنگ هم همان طایفه کم‌توقع و پرکاری بودند که فداکاری برایشان مانند نفس‌کشیدن عادی بود و از دل‌وچان برای بچه‌های این مرزوبوم کار می‌کردند. حسن امیزداده، معلم گیلانی، در سال ۷۶ برای نجات جان شاگردانش از آتش بخاری زندگی خود. به اعتبار این تعریف، این اتحادیه‌ی وزیگی‌هایی دارد. این اتحادیه‌ها، صنفی- طبقاتی، توده‌ای یا فراگیر، دموکراتیک، بهبودخواه و مداوم هستند. این اتحادیه‌ها صنفی- طبقاتی هستند زیرا مجموعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند شامل وزیگی‌های حرفه‌ای است و در بعد کُلان نیز در مقابل طبقه‌ای قرار دارند که از نیروی کار آنها بهره می‌گیرد و ناگزیر برای دفاع از وضعیتی که دارند و بهبود شرایط زندگی خود در مقابل این طبقه معین اجتماعی قرار دارند. دموکراتیک هستند به این معنا که کارگران خود باید این تشکله‌ها را تشکیل دهند و ارگان‌های رهبری و ساختار آن را تعیین کنند. فراگیر هستند، از این جهت که این کارگران قطعه وابستگی نژادی دارند. به لحاظ جنسیتی متفاوت هستند و... هیچ‌کدام از این تفاوت‌ها نمی‌تواند در شکل‌گیری این اتحادیه‌ها تغییری ایجاد کند. در نتیجه برای اینکه فراگیر باشند، نیاز دارند که ایدئولوژیک نباشند و هیچ پسوندی نداشته باشند. اگر اتحادیه زنان کارگر، اتحادیه اسلامی کارگران و... داشتیم، قطعا آن اتحادیه، اتحادیه به معنای واقعی نیست. مداومت دارد، یعنی برای پروژه خاصی تشکیل نمی‌شود. همیشه هست، زیرا نیاز کارگران به این اتحادیه‌هاست. این مجموعه آن چیزی است که مداومت آن را تعیین می‌کند. هیچ سیستمی نمی‌تواند این اتحادیه‌ها را منحل کند. اتحادیه‌های کارگری بهبودخواه هستند، یعنی باید شرایط زندگی کارگران را بهبود دهند. این شرایط در کشورهای مختلف متفاوت است، اما شاخص‌های توسعه‌ای در زندگی

اتحادیه‌های کارگری نباید ایدئولوژیک باشد حسین اکبری، فعال کارگری

اتحادیه‌های کارگری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: اجتماع مداوم صنفی- طبقاتی کارگران به‌منظور حفظ و بهبود شرایط زندگی خود. به اعتبار این تعریف، این اتحادیه‌ی وزیگی‌هایی دارد. این اتحادیه‌ها، صنفی- طبقاتی، توده‌ای یا فراگیر، دموکراتیک، بهبودخواه و مداوم هستند. این اتحادیه‌ها صنفی- طبقاتی هستند زیرا مجموعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند شامل وزیگی‌های حرفه‌ای است و در بعد کُلان نیز در مقابل طبقه‌ای قرار دارند که از نیروی کار آنها بهره می‌گیرد و ناگزیر برای دفاع از وضعیتی که دارند و بهبود شرایط زندگی خود در مقابل این طبقه معین اجتماعی قرار دارند. دموکراتیک هستند به این معنا که کارگران خود باید این تشکله‌ها را تشکیل دهند و ارگان‌های رهبری و ساختار آن را تعیین کنند. فراگیر هستند، از این جهت که این کارگران قطعه وابستگی نژادی دارند. به لحاظ جنسیتی متفاوت هستند و... هیچ‌کدام از این تفاوت‌ها نمی‌تواند در شکل‌گیری این اتحادیه‌ها تغییری ایجاد کند. در نتیجه برای اینکه فراگیر باشند، نیاز دارند که ایدئولوژیک نباشند و هیچ پسوندی نداشته باشند. اگر اتحادیه زنان کارگر، اتحادیه اسلامی کارگران و... داشتیم، قطعا آن اتحادیه، اتحادیه به معنای واقعی نیست. مداومت دارد، یعنی برای پروژه خاصی تشکیل نمی‌شود. همیشه هست، زیرا نیاز کارگران به این اتحادیه‌هاست. این مجموعه آن چیزی است که مداومت آن را تعیین می‌کند. هیچ سیستمی نمی‌تواند این اتحادیه‌ها را منحل کند. اتحادیه‌های کارگری بهبودخواه هستند، یعنی باید شرایط زندگی کارگران را بهبود دهند. این شرایط در کشورهای مختلف متفاوت است، اما شاخص‌های توسعه‌ای در زندگی

قدرت‌نمایی طلا

شرق: طلا روز جمعه در پی سقوط ارزش دلار به پایین‌ترین سطح در ۱۱ ماه گذشته که تقاضا برای این فلز ارزشمند را تقویت کرد، به بالاترین قیمت از ماه ژانویه سال ۲۰۱۵ به این طرف رسید. عدم اقدام بانک مرکزی ژاپن برای گسترش تدابیر محرک مالی، بازارهای مالی را در شوک فرو برد و باعث صعود ارزش ین در برابر دلار آمریکا شد و ضعیف‌شدن ارز آمریکا، کالاهایی مانند طلا که با این ارز معامله می‌شوند را برای سرمایه‌گذاران جذاب کرد. شاخص دلار آمریکا که این ارز را در برابر سیدی از شش ارز رقیب دنبال می‌کند، به پایین‌ترین سطح در حدود ۱۱ ماه اخیر رسیده است. فلزات ارزشمند به دلیل آشفتنگی اقتصاد جهانی که ورود سرمایه به دارایی‌های امن را به‌دنبال داشته است و همچنین افت ارزش دلار، در سال ۲۰۱۶ یکی از بهترین عملکردها را داشته‌اند. قدرت‌نمایی اخیر

سرمایه به دارایی‌های امن را به‌دنبال داشته است و همچنین افت ارزش دلار، در سال ۲۰۱۶ یکی از بهترین عملکردها را داشته‌اند. قدرت‌نمایی اخیر

سرمایه به دارایی‌های امن را به‌دنبال داشته است و همچنین افت ارزش دلار، در سال ۲۰۱۶ یکی از بهترین عملکردها را داشته‌اند. قدرت‌نمایی اخیر

جلسات هفتگی انجمن اسلامی مهندسین

روز	شنبه ۱۸/۳۰-۱۶/۳۰
سه شنبه۱۸/۳۰-۱۶/۳۰	جلسه تفسیر ترتیبی قرآن کریم ، با مدیریت آقای دکتر فریدون سحابی
چهارشنبه۱۸/۳۰-۱۶/۳۰	جلسه تفسیر موضوعی قرآن کریم ، سخننداری «دینداری خردمندانه» توسط آقای دکتر سلیمانی

نشانی : بلوار میرداماد ، پلاک ۱۲۶ ، طبقه چهارم

شماره های تماس : ۲۲۲۶۳۴۳۵ - ۲۲۲۶۷۴۷۸ - فکس : ۲۲۲۷۴۷۳۸

نشانی وبگاه : **info@IAIEngineers.org**نشانی کانال تلگرام : **https://telegram.me/IAIEngineers**

اقتصاد

معاون پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی از استدلال مدافعان اقتصاد آزاد خبر داد

حمله به دولت رفاهی به بهانه اشتغال



کارگران تأثیر دارد. به این اعتبار، کارگران بهبودخواه هستند، پس می‌توانند در همه عرصه‌هایی که به بهبودخواهی منجر می‌شود، مشارکت فعال اجتماعی داشته باشند. اگر باور بر این است که وجود جنبش کارگری برای توسعه نیاز است، نمی‌توان اتحادیه‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منع کرد. به همین اعتبار، کارگران در اتحادیه‌های کارگری حق دارند به نسبت جمعیتشان، در نظام قانون‌گذاری یک جامعه شرکت کنند. حق دارند در مجلس یک کشور نمایندگانی داشته باشند که از حقوق آنها دفاع کنند. این نمایندگان قطعاً اگر زمانی به مجلس بروند که این جنبش‌ها فعال نیستند، ممکن است کمیتی را دربر گیرند که کیفیت کافی ندارد. اما اگر تحت رهبری اتحادیه‌های کارگری این نمایندگان انتخاب شوند، قطعاً حضور آنها منجر به تصویب قوانینی خواهد شد که این بهبودخواهی را تضمین می‌کند. کارگران حق دارند در شرایطی که جامعه تحت بحران‌های ویژه قرار می‌گیرد، برای حل بحران مشارکت کنند و از دولت‌ها بخواهند نسبت به این بحران‌ها، سیاست‌های درستی را برگزینند و اگر دیدند سیاست‌های غلطی درباره حل بحران ایجاد می‌شود، آن را به نقد بکشند و از آن جلوگیری کنند. موانع قانونی تا سال‌های پیش از کودتا برای تشکلی اتحادیه‌های کارگری وجود نداشت؛ به‌ویژه از سال‌های ۱۳۲۰ به این سو. پس از استقرار رژیم کودتا در سال ۱۳۳۲ به این سو، تلاش‌هایی در جهت ایجاد محدودیت برای اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت. پس از کودتا، ادارهای به اسم «اداره هیات کارگری ایالات متحده در ایران» شکل گرفته بود. آمریکا می‌خواست شرایطی ایجاد کند که کارگران از فعالیت سیاسی پرهیز داده شوند اما به‌صورت صنفی فعالیت کنند. بنابراین در قانون مصوب ۱۳۳۷، در قبال پذیرش سندیکاهای کارگری، مشروط به پرهیز از فعالیت سیاسی، محدودیت‌هایی ایجاد شد که این محدودیت‌ها با توجه به وزنی که این اتحادیه‌ها در گذشته داشتند، به شکلی که امروز در قانون کار داریم، نبودند. آنها در بخش ششم قانون کار می‌پذیرند، در فعالیت‌های صنفی خود ائتلاف داشته باشند. اما به‌مرور این محدودیت‌ها بیشتر شد. فعالیت‌های اتحادیه‌ای تا سال ۱۳۶۲ گسترش یافت و سندیکاه‌ها و شوراه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دادند اما موردموافقت مسئولان نبود. به همین دلیل، تشکیل اتحادیه‌های کارگری در واحدهای بزرگ

اقتصادی منع شد. جنبش قانون کار بعد از انقلاب تلاش کرد فعالیت‌های کارگری به‌صورت گسترده حرکت کند. به همین دلیل ۱۰ پیش‌نویس قانون کار از سوی نهادهای مختلف باشد. اگر باور بر این است که وجود جنبش کارگری برای توسعه نیاز است، نمی‌توان اتحادیه‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منع کرد. به همین اعتبار، کارگران در اتحادیه‌های کارگری حق دارند به نسبت جمعیتشان، در نظام قانون‌گذاری یک جامعه شرکت کنند. حق دارند در مجلس یک کشور نمایندگانی داشته باشند که از حقوق آنها دفاع کنند. این نمایندگان قطعاً اگر زمانی به مجلس بروند که این جنبش‌ها فعال نیستند، ممکن است کمیتی را دربر گیرند که کیفیت کافی ندارد. اما اگر تحت رهبری اتحادیه‌های کارگری این نمایندگان انتخاب شوند، قطعاً حضور آنها منجر به تصویب قوانینی خواهد شد که این بهبودخواهی را تضمین می‌کند. کارگران حق دارند در شرایطی که جامعه تحت بحران‌های ویژه قرار می‌گیرد، برای حل بحران مشارکت کنند و از دولت‌ها بخواهند نسبت به این بحران‌ها، سیاست‌های درستی را برگزینند و اگر دیدند سیاست‌های غلطی درباره حل بحران ایجاد می‌شود، آن را به نقد بکشند و از آن جلوگیری کنند. موانع قانونی تا سال‌های پیش از کودتا برای تشکلی اتحادیه‌های کارگری وجود نداشت؛ به‌ویژه از سال‌های ۱۳۲۰ به این سو. پس از استقرار رژیم کودتا در سال ۱۳۳۲ به این سو، تلاش‌هایی در جهت ایجاد محدودیت برای اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت. پس از کودتا، ادارهای به اسم «اداره هیات کارگری ایالات متحده در ایران» شکل گرفته بود. آمریکا می‌خواست شرایطی ایجاد کند که کارگران از فعالیت سیاسی پرهیز داده شوند اما به‌صورت صنفی فعالیت کنند. بنابراین در قانون مصوب ۱۳۳۷، در قبال پذیرش سندیکاهای کارگری، مشروط به پرهیز از فعالیت سیاسی، محدودیت‌هایی ایجاد شد که این محدودیت‌ها با توجه به وزنی که این اتحادیه‌ها در گذشته داشتند، به شکلی که امروز در قانون کار داریم، نبودند. آنها در بخش ششم قانون کار می‌پذیرند، در فعالیت‌های صنفی خود ائتلاف داشته باشند. اما به‌مرور این محدودیت‌ها بیشتر شد. فعالیت‌های اتحادیه‌ای تا سال ۱۳۶۲ گسترش یافت و سندیکاه‌ها و شوراه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دادند اما موردموافقت مسئولان نبود. به همین دلیل، تشکیل اتحادیه‌های کارگری در واحدهای بزرگ

اتحادیه‌های کارگری نباید ایدئولوژیک باشد حسین اکبری، فعال کارگری

اتحادیه‌های کارگری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: اجتماع مداوم صنفی- طبقاتی کارگران به‌منظور حفظ و بهبود شرایط زندگی خود. به اعتبار این تعریف، این اتحادیه‌ها، صنفی- طبقاتی، توده‌ای یا فراگیر، دموکراتیک، بهبودخواه و مداوم هستند. این اتحادیه‌ها صنفی- طبقاتی هستند زیرا مجموعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند شامل وزیگی‌های حرفه‌ای است و در بعد کُلان نیز در مقابل طبقه‌ای قرار دارند که از نیروی کار آنها بهره می‌گیرد و ناگزیر برای دفاع از وضعیتی که دارند و بهبود شرایط زندگی خود در مقابل این طبقه معین اجتماعی قرار دارند. دموکراتیک هستند به این معنا که کارگران خود باید این تشکله‌ها را تشکیل دهند و ارگان‌های رهبری و ساختار آن را تعیین کنند. فراگیر هستند، از این جهت که این کارگران قطعه وابستگی نژادی دارند. به لحاظ جنسیتی متفاوت هستند و... هیچ‌کدام از این تفاوت‌ها نمی‌تواند در شکل‌گیری این اتحادیه‌ها تغییری ایجاد کند. در نتیجه برای اینکه فراگیر باشند، نیاز دارند که ایدئولوژیک نباشند و هیچ پسوندی نداشته باشند. اگر اتحادیه زنان کارگر، اتحادیه اسلامی کارگران و... داشتیم، قطعا آن اتحادیه، اتحادیه به معنای واقعی نیست. مداومت دارد، یعنی برای پروژه خاصی تشکیل نمی‌شود. همیشه هست، زیرا نیاز کارگران به این اتحادیه‌هاست. این مجموعه آن چیزی است که مداومت آن را تعیین می‌کند. هیچ سیستمی نمی‌تواند این اتحادیه‌ها را منحل کند. اتحادیه‌های کارگری بهبودخواه هستند، یعنی باید شرایط زندگی کارگران را بهبود دهند. این شرایط در کشورهای مختلف متفاوت است، اما شاخص‌های توسعه‌ای در زندگی

اقتصادی منع شد. جنبش قانون کار بعد از انقلاب تلاش کرد فعالیت‌های کارگری به‌صورت گسترده حرکت کند. به همین دلیل ۱۰ پیش‌نویس قانون کار از سوی نهادهای مختلف باشد. اگر باور بر این است که وجود جنبش کارگری برای توسعه نیاز است، نمی‌توان اتحادیه‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منع کرد. به همین اعتبار، کارگران در اتحادیه‌های کارگری حق دارند به نسبت جمعیتشان، در نظام قانون‌گذاری یک جامعه شرکت کنند. حق دارند در مجلس یک کشور نمایندگانی داشته باشند که از حقوق آنها دفاع کنند. این نمایندگان قطعاً اگر زمانی به مجلس بروند که این جنبش‌ها فعال نیستند، ممکن است کمیتی را دربر گیرند که کیفیت کافی ندارد. اما اگر تحت رهبری اتحادیه‌های کارگری این نمایندگان انتخاب شوند، قطعاً حضور آنها منجر به تصویب قوانینی خواهد شد که این بهبودخواهی را تضمین می‌کند. کارگران حق دارند در شرایطی که جامعه تحت بحران‌های ویژه قرار می‌گیرد، برای حل بحران مشارکت کنند و از دولت‌ها بخواهند نسبت به این بحران‌ها، سیاست‌های درستی را برگزینند و اگر دیدند سیاست‌های غلطی درباره حل بحران ایجاد می‌شود، آن را به نقد بکشند و از آن جلوگیری کنند. موانع قانونی تا سال‌های پیش از کودتا برای تشکلی اتحادیه‌های کارگری وجود نداشت؛ به‌ویژه از سال‌های ۱۳۲۰ به این سو. پس از استقرار رژیم کودتا در سال ۱۳۳۲ به این سو، تلاش‌هایی در جهت ایجاد محدودیت برای اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت. پس از کودتا، ادارهای به اسم «اداره هیات کارگری ایالات متحده در ایران» شکل گرفته بود. آمریکا می‌خواست شرایطی ایجاد کند که کارگران از فعالیت سیاسی پرهیز داده شوند اما به‌صورت صنفی فعالیت کنند. بنابراین در قانون مصوب ۱۳۳۷، در قبال پذیرش سندیکاهای کارگری، مشروط به پرهیز از فعالیت سیاسی، محدودیت‌هایی ایجاد شد که این محدودیت‌ها با توجه به وزنی که این اتحادیه‌ها در گذشته داشتند، به شکلی که امروز در قانون کار داریم، نبودند. آنها در بخش ششم قانون کار می‌پذیرند، در فعالیت‌های صنفی خود ائتلاف داشته باشند. اما به‌مرور این محدودیت‌ها بیشتر شد. فعالیت‌های اتحادیه‌ای تا سال ۱۳۶۲ گسترش یافت و سندیکاه‌ها و شوراه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دادند اما موردموافقت مسئولان نبود. به همین دلیل، تشکیل اتحادیه‌های کارگری در واحدهای بزرگ

اقتصادی منع شد. جنبش قانون کار بعد از انقلاب تلاش کرد فعالیت‌های کارگری به‌صورت گسترده حرکت کند. به همین دلیل ۱۰ پیش‌نویس قانون کار از سوی نهادهای مختلف باشد. اگر باور بر این است که وجود جنبش کارگری برای توسعه نیاز است، نمی‌توان اتحادیه‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منع کرد. به همین اعتبار، کارگران در اتحادیه‌های کارگری حق دارند به نسبت جمعیتشان، در نظام قانون‌گذاری یک جامعه شرکت کنند. حق دارند در مجلس یک کشور نمایندگانی داشته باشند که از حقوق آنها دفاع کنند. این نمایندگان قطعاً اگر زمانی به مجلس بروند که این جنبش‌ها فعال نیستند، ممکن است کمیتی را دربر گیرند که کیفیت کافی ندارد. اما اگر تحت رهبری اتحادیه‌های کارگری این نمایندگان انتخاب شوند، قطعاً حضور آنها منجر به تصویب قوانینی خواهد شد که این بهبودخواهی را تضمین می‌کند. کارگران حق دارند در شرایطی که جامعه تحت بحران‌های ویژه قرار می‌گیرد، برای حل بحران مشارکت کنند و از دولت‌ها بخواهند نسبت به این بحران‌ها، سیاست‌های درستی را برگزینند و اگر دیدند سیاست‌های غلطی درباره حل بحران ایجاد می‌شود، آن را به نقد بکشند و از آن جلوگیری کنند. موانع قانونی تا سال‌های پیش از کودتا برای تشکلی اتحادیه‌های کارگری وجود نداشت؛ به‌ویژه از سال‌های ۱۳۲۰ به این سو. پس از استقرار رژیم کودتا در سال ۱۳۳۲ به این سو، تلاش‌هایی در جهت ایجاد محدودیت برای اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت. پس از کودتا، ادارهای به اسم «اداره هیات کارگری ایالات متحده در ایران» شکل گرفته بود. آمریکا می‌خواست شرایطی ایجاد کند که کارگران از فعالیت سیاسی پرهیز داده شوند اما به‌صورت صنفی فعالیت کنند. بنابراین در قانون مصوب ۱۳۳۷، در قبال پذیرش سندیکاهای کارگری، مشروط به پرهیز از فعالیت سیاسی، محدودیت‌هایی ایجاد شد که این محدودیت‌ها با توجه به وزنی که این اتحادیه‌ها در گذشته داشتند، به شکلی که امروز در قانون کار داریم، نبودند. آنها در بخش ششم قانون کار می‌پذیرند، در فعالیت‌های صنفی خود ائتلاف داشته باشند. اما به‌مرور این محدودیت‌ها بیشتر شد. فعالیت‌های اتحادیه‌ای تا سال ۱۳۶۲ گسترش یافت و سندیکاه‌ها و شوراه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دادند اما موردموافقت مسئولان نبود. به همین دلیل، تشکیل اتحادیه‌های کارگری در واحدهای بزرگ

اقتصادی منع شد. جنبش قانون کار بعد از انقلاب تلاش کرد فعالیت‌های کارگری به‌صورت گسترده حرکت کند. به همین دلیل ۱۰ پیش‌نویس قانون کار از سوی نهادهای مختلف باشد. اگر باور بر این است که وجود جنبش کارگری برای توسعه نیاز است، نمی‌توان اتحادیه‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منع کرد. به همین اعتبار، کارگران در اتحادیه‌های کارگری حق دارند به نسبت جمعیتشان، در نظام قانون‌گذاری یک جامعه شرکت کنند. حق دارند در مجلس یک کشور نمایندگانی داشته باشند که از حقوق آنها دفاع کنند. این نمایندگان قطعاً اگر زمانی به مجلس بروند که این جنبش‌ها فعال نیستند، ممکن است کمیتی را دربر گیرند که کیفیت کافی ندارد. اما اگر تحت رهبری اتحادیه‌های کارگری این نمایندگان انتخاب شوند، قطعاً حضور آنها منجر به تصویب قوانینی خواهد شد که این بهبودخواهی را تضمین می‌کند. کارگران حق دارند در شرایطی که جامعه تحت بحران‌های ویژه قرار می‌گیرد، برای حل بحران مشارکت کنند و از دولت‌ها بخواهند نسبت به این بحران‌ها، سیاست‌های درستی را برگزینند و اگر دیدند سیاست‌های غلطی درباره حل بحران ایجاد می‌شود، آن را به نقد بکشند و از آن جلوگیری کنند. موانع قانونی تا سال‌های پیش از کودتا برای تشکلی اتحادیه‌های کارگری وجود نداشت؛ به‌ویژه از سال‌های ۱۳۲۰ به این سو. پس از استقرار رژیم کودتا در سال ۱۳۳۲ به این سو، تلاش‌هایی در جهت ایجاد محدودیت برای اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت. پس از کودتا، ادارهای به اسم «اداره هیات کارگری ایالات متحده در ایران» شکل گرفته بود. آمریکا می‌خواست شرایطی ایجاد کند که کارگران از فعالیت سیاسی پرهیز داده شوند اما به‌صورت صنفی فعالیت کنند. بنابراین در قانون مصوب ۱۳۳۷، در قبال پذیرش سندیکاهای کارگری، مشروط به پرهیز از فعالیت سیاسی، محدودیت‌هایی ایجاد شد که این محدودیت‌ها با توجه به وزنی که این اتحادیه‌ها در گذشته داشتند، به شکلی که امروز در قانون کار داریم، نبودند. آنها در بخش ششم قانون کار می‌پذیرند، در فعالیت‌های صنفی خود ائتلاف داشته باشند. اما به‌مرور این محدودیت‌ها بیشتر شد. فعالیت‌های اتحادیه‌ای تا سال ۱۳۶۲ گسترش یافت و سندیکاه‌ها و شوراه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دادند اما موردموافقت مسئولان نبود. به همین دلیل، تشکیل اتحادیه‌های کارگری در واحدهای بزرگ

اقتصادی منع شد. جنبش قانون کار بعد از انقلاب تلاش کرد فعالیت‌های کارگری به‌صورت گسترده حرکت کند. به همین دلیل ۱۰ پیش‌نویس قانون کار از سوی نهادهای مختلف باشد. اگر باور بر این است که وجود جنبش کارگری برای توسعه نیاز است، نمی‌توان اتحادیه‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منع کرد. به همین اعتبار، کارگران در اتحادیه‌های کارگری حق دارند به نسبت جمعیتشان، در نظام قانون‌گذاری یک جامعه شرکت کنند. حق دارند در مجلس یک کشور نمایندگانی داشته باشند که از حقوق آنها دفاع کنند. این نمایندگان قطعاً اگر زمانی به مجلس بروند که این جنبش‌ها فعال نیستند، ممکن است کمیتی را دربر گیرند که کیفیت کافی ندارد. اما اگر تحت رهبری اتحادیه‌های کارگری این نمایندگان انتخاب شوند، قطعاً حضور آنها منجر به تصویب قوانینی خواهد شد که این بهبودخواهی را تضمین می‌کند. کارگران حق دارند در شرایطی که جامعه تحت بحران‌های ویژه قرار می‌گیرد، برای حل بحران مشارکت کنند و از دولت‌ها بخواهند نسبت به این بحران‌ها، سیاست‌های درستی را برگزینند و اگر دیدند سیاست‌های غلطی درباره حل بحران ایجاد می‌شود، آن را به نقد بکشند و از آن جلوگیری کنند. موانع قانونی تا سال‌های پیش از کودتا برای تشکلی اتحادیه‌های کارگری وجود نداشت؛ به‌ویژه از سال‌های ۱۳۲۰ به این سو. پس از استقرار رژیم کودتا در سال ۱۳۳۲ به این سو، تلاش‌هایی در جهت ایجاد محدودیت برای اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت. پس از کودتا، ادارهای به اسم «اداره هیات کارگری ایالات متحده در ایران» شکل گرفته بود. آمریکا می‌خواست شرایطی ایجاد کند که کارگران از فعالیت سیاسی پرهیز داده شوند اما به‌صورت صنفی فعالیت کنند. بنابراین در قانون مصوب ۱۳۳۷، در قبال پذیرش سندیکاهای کارگری، مشروط به پرهیز از فعالیت سیاسی، محدودیت‌هایی ایجاد شد که این محدودیت‌ها با توجه به وزنی که این اتحادیه‌ها در گذشته داشتند، به شکلی که امروز در قانون کار داریم، نبودند. آنها در بخش ششم قانون کار می‌پذیرند، در فعالیت‌های صنفی خود ائتلاف داشته باشند. اما به‌مرور این محدودیت‌ها بیشتر شد. فعالیت‌های اتحادیه‌ای تا سال ۱۳۶۲ گسترش یافت و سندیکاه‌ها و شوراه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دادند اما موردموافقت مسئولان نبود. به همین دلیل، تشکیل اتحادیه‌های کارگری در واحدهای بزرگ

و اجتماعی قانونی می‌شود. در سال ۱۲۸۵، در پی فرمان مظفرالدین‌شاه مبنی بر تشکیل مجلس شورای ملی، به‌تدریج اقشار و طبقات گوناگون در تهران، تبریز، رشت و مشهد تشکلهایی به وجود می‌آوردند که به اسم «انجمن» شناخته می‌شوند. این انجمن‌ها در سه قالب سیاسی، فرهنگی و صنفی شکل می‌گیرند. از انجمن‌های صنفی که در سال ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶ شمسی در تهران تشکیل شد، می‌توان به انجمن کارگران مطابع (چاپخانه‌ها)، حمام، تلگرافخانه‌ها و... اشاره کرد. در همان مقطع مجلس اول با برخی مطالبات کارگران مواجه می‌شویم که عمده خواست‌های آنها مسئله دستمزد و لباس است تا معیشتشان کمی بهتر شود. در دوره مجلس اول، کارگران نخست نامه می‌نوشتند

و وقتی اقدامی از سوی مجلس نمی‌شد، دست به اعتصاب می‌زدند. هم‌زمان با این تحول، اولین حزب سیاسی ایران نیز در سال ۱۲۸۵ با نام «جمعاعیون عامیون» در باکو و تفلیس شکل می‌گیرد که به‌واسطه گرایش سوسیال‌دموکراتی که دارند، به مشکل‌کردن کارگران می‌پردازند. این فعالیت‌ها با به‌توپ بستن مجلس قطع می‌شود و در طول استبداد صغیر هیچ فعالیت کارگری و صنفی‌ای نداریم. تا فتح تهران و خلع محمدعلی‌شاه و تشکیل مجلس دوم این روند ادامه دارد. در این مقطع فرقه «دموکرات عامیون» به‌عنوان جایگزین «جمعاعیون عامیون» تشکیل می‌شود. برخلاف دوره‌های بعد، نمایندگان فرقه دموکرات عامیون در مجلس شورای ملی، از حقوق کارگران و زحمتکشان دفاع می‌کنند و فراکسیون اقلیت به اشکال مختلف مشکلات را مطرح می‌کنند. درواقع یک قدرت سیاسی به کمک کارگران آمده بود. از سال ۱۲۹۷، فعالان کارگری پس از تعطیلی مجلس سوم با اولیتهاژوم روس‌ها و جنگ جهانی دوم، دوباره آغاز به فعالیت می‌کنند که تا سال ۱۳۰۰ می‌توانند ششت اتحادیه کارگری را در تهران به وجود بیاورند. اتحادیه عمومی مرکزی را در سال ۱۳۰۰ به وجود می‌آوردند که هدایتگر این ششت اتحادیه است. روزنامه «حقیقت» به‌عنوان اولین روزنامه برای مطالبات صنفی و سیاسی کارگران به حساب می‌آید. مدیرمسئول آن «محمد دهگان» و سردبیر آن نیز «پیشه‌وری» است. از سال ۱۳۰۰ به‌بعد و با تشکیل اتحادیه عمومی مرکزی، دولت به‌عنوان مدافع حقوق کارفرما برخورد می‌کند. در سال ۱۳۰۱، روزنامه «حقیقت» توقیف می‌شود و روزنامه‌های جایگزین آن نیز با نام‌های «پیکان»، «کار» و «اقتصاد» هم تعطیل می‌شوند. بنابراین کارگران از روزنامه‌های مختلف به‌ویژه روزنامه «طوفان»، فرخی‌یزدی استفاده می‌کنند. در این مقطع زمانی، سازماندهی کارگری در ایران از طریق فرقه عدالت پیگیری می‌شود که تلاش‌های آنها اغلب موفقیت‌آمیز نبود. بازرترین اعتصابی که توسط این گروه ایجاد شد، در سال ۱۳۰۸ در پالاشگاه نفت آبادان بود که حکومت در ابتدا برای برخورد تردید داشت، اما در نهایت این اعتصاب را سرکوب می‌کند و رهبران این اعتصاب تا سال ۱۳۲۰ در زندان به‌سر می‌برند.

اقتصادی منع شد. جنبش قانون کار بعد از انقلاب تلاش کرد فعالیت‌های کارگری به‌صورت گسترده حرکت کند. به همین دلیل ۱۰ پیش‌نویس قانون کار از سوی نهادهای مختلف باشد. اگر باور بر این است که وجود جنبش کارگری برای توسعه نیاز است، نمی‌توان اتحادیه‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منع کرد. به همین اعتبار، کارگران در اتحادیه‌های کارگری حق دارند به نسبت جمعیتشان، در نظام قانون‌گذاری یک جامعه شرکت کنند. حق دارند در مجلس یک کشور نمایندگانی داشته باشند که از حقوق آنها دفاع کنند. این نمایندگان قطعاً اگر زمانی به مجلس بروند که این جنبش‌ها فعال نیستند، ممکن است کمیتی را دربر گیرند که کیفیت کافی ندارد. اما اگر تحت رهبری اتحادیه‌های کارگری این نمایندگان انتخاب شوند، قطعاً حضور آنها منجر به تصویب قوانینی خواهد شد که این بهبودخواهی را تضمین می‌کند. کارگران حق دارند در شرایطی که جامعه تحت بحران‌های ویژه قرار می‌گیرد، برای حل بحران مشارکت کنند و از دولت‌ها بخواهند نسبت به این بحران‌ها، سیاست‌های درستی را برگزینند و اگر دیدند سیاست‌های غلطی درباره حل بحران ایجاد می‌شود، آن را به نقد بکشند و از آن جلوگیری کنند. موانع قانونی تا سال‌های پیش از کودتا برای تشکلی اتحادیه‌های کارگری وجود نداشت؛ به‌ویژه از سال‌های ۱۳۲۰ به این سو. پس از استقرار رژیم کودتا در سال ۱۳۳۲ به این سو، تلاش‌هایی در جهت ایجاد محدودیت برای اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت. پس از کودتا، ادارهای به اسم «اداره هیات کارگری ایالات متحده در ایران» شکل گرفته بود. آمریکا می‌خواست شرایطی ایجاد کند که کارگران از فعالیت سیاسی پرهیز داده شوند اما به‌صورت صنفی فعالیت کنند. بنابراین در قانون مصوب ۱۳۳۷، در قبال پذیرش سندیکاهای کارگری، مشروط به پرهیز از فعالیت سیاسی، محدودیت‌هایی ایجاد شد که این محدودیت‌ها با توجه به وزنی که این اتحادیه‌ها در گذشته داشتند، به شکلی که امروز در قانون کار داریم، نبودند. آنها در بخش ششم قانون کار می‌پذیرند، در فعالیت‌های صنفی خود ائتلاف داشته باشند. اما به‌مرور این محدودیت‌ها بیشتر شد. فعالیت‌های اتحادیه‌ای تا سال ۱۳۶۲ گسترش یافت و سندیکاه‌ها و شوراه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دادند اما موردموافقت مسئولان نبود. به همین دلیل، تشکیل اتحادیه‌های کارگری در واحدهای بزرگ

ادامه در صفحه ۵

رفع ابهام از تجدید ارزیابی دارایی‌ها

معامله‌ای انجام نشد. همچنین نماد معاملاتی حق تقدم شرکت مجتمع‌های توریستی و رفاهی آبادگران ایران با توجه به اعلام مهلت پذیره‌نویسی، بدون محدودیت نوسان قیمت با استفاده از مکانیسم حراج تک‌قیمتی معامله شد و برخلاف واکنش مثبت سهام‌داران و وجود صف خرید برای سهام این شرکت، با واکنش منفی سرمایه‌گذاران برای حق تقدم آن مواجه شد. افزون بر موارد ذکرشده، در پایان معاملات امروز نماد معاملاتی شرکت ایران‌دارو برای برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه، به منظور تصویب صورت‌های مالی متوقف خواهد شد. یکی از خبرهای مهم این روزهای بازار، رفع ابهام از افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی است. براین‌اساس صدور مجوز افزایش سرمایه از تأثیر مثبت بر نماد خودرو و کگل و بیشترین تأثیر منفی را نمادهای خسپا و ویملت بر روی شاخص داشتند. در فرابورس نمادهای ذوب و مارون بیشترین تأثیر منفی و نماد میدکو و شتران بیشترین تأثیر مثبت را داشتند و این باعث شد در کل شاخص ۱۰۷ واحد کاهش یابد و به عدد ۸۰۰ واحد برسد. در معاملات روز شنبه نمادهای معاملاتی «خرینگ»، «عبید»، «رکیش»، «شمود»، «سمان» و «تاب‌پادح» به تابلوی معاملات بازگشتند و نماد «دیران» متوقف شد. براساس پیام ناظر بازار، نماد معاملاتی شرکت‌های رینگ‌سازی مشهد پس از برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده مبنی بر تصویب افزایش سرمایه، داروسازی دکتر عبیدی با توجه به تعدیل پیش‌بینی درآمد هر سهم سال مالی منتهی به ۳۰ آذر ۱۳۹۵، کارت اعتباری ایران کیش با توجه به تعدیل پیش‌بینی درآمد هر سهم سال مالی منتهی به ۳۰ اسفند ۱۳۹۵ و تولید مواد اولیه الیاف مصنوعی با توجه به تعدیل پیش‌بینی درآمد هر سهم سال مالی منتهی به ۳۱ شهریور ۱۳۹۵، بدون محدودیت نوسان قیمت با استفاده از مکانیسم حراج تک‌قیمتی معامله شدند که «خرینگ» با رشد ۳۰ درصدی همراه بود و «رکیش» و «شمود»، هر دو به صورت منفی باز شدند. درعین‌حال، نماد معاملاتی شرکت سیمان مازندران با توجه به ارائه اطلاعات پیش‌بینی سال مالی منتهی به ۳۰ اسفند ۱۳۹۵، با محدودیت نوسان قیمت به تابلوی معاملات بازگشت که در این نماد نیز همچون داروسازی دکتر عبیدی

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۸۴۱۴٫۶	۹٫۸۸
شاخص قیمت	۲۹۵۹۷٫۲	۳٫۷۹
شاخص کل (موزون)	۱۳۷۱۴٫۹	۲۸٫۳۵
شاخص قیمت (موزون)	۱۱۴۷۵٫۷	۲۲٫۷۱
آزاد شناور	۸۷۹۳۳٫۳	-۴۵۸۴
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۵۵۵	۵٫۴۵

خبر

بخشنامه «اقتصاد مقاومتی» جهانبگیری به بنیادها و قرارگاه‌ها

● **مهر:** معاون اول رئیس‌جمهور از بنیادها، مؤسسات عمومی غیردولتی، قرارگاه‌های سازندگی و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی خواست تا ۲۰ روز آینده برنامه‌های خود برای افزایش تولید را به ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی بدهند.

آغاز سرکشی دولت به حساب‌های بانکی

● **مهر:** سیدکامل تقوی‌نژاد، رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی دستورالعمل نحوه سرکشی مأموران مالیاتی به حساب‌های بانکی را با عنوان «رسیدگی به تراکنش‌های بانکی مشکوک» برای اجرا ابلاغ کرد.

ادامه از صفحه اول

راه‌های حقوقی و سیاسی مقابله با آمریکا

ما دعوایی به مبلغ هفت میلیارد دلار علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کردیم ولی با یک مصالحه سیاسی با دریافت ۱/۷ میلیارد دلار به صلح و سازش رسیدیم. از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری، نمی‌توان مشکلات با آمریکا را حل کرد ولی می‌توان آمریکا را مجبور کرد با زبان قانون با ما حرف بزند. نه با زبان زور! در مسئله ساقط‌کردن هواپیمایی مسافری ایران و شهادت ۲۴۷ نفر، ریگان رئیس‌جمهور آمریکا صراحتاً گفت هواپیمایی بعدی را هم می‌زنیم ولی وقتی دعوای ما علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد و آمریکایی‌ها دیدند عهدنامه مودت را نقض کرده‌اند و اگر دیوان خود را صالح به رسیدگی بداند، محکومیت آمریکا محتمل است. وارد مذاکره و سازش شدند. ابتدا مدعی بودند دیه در ایران هفت میلیون تومان است ولی در مقابل استدلال ما که شما از عراق که به کشتی استات به اشتباه حمله کرده بود چه میزان خسارت گرفتید، مجبور شدند برای هر نفر ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار دلار خسارت بپردازند. برای حل مشکل این پرونده چهار راه‌حل متصور است. اول: اقدام متقابل و اینکه ما در دادگاه‌های ایران علیه آمریکا طرح دعوا کنیم ولی این اقدام به خاطر نابرابری‌های موجود، منتج به نتیجه‌ای نخواهد شد. ما قانون تصویب کرده‌ایم و در دادگاه‌هایمان علیه آمریکا رای صادر کرده‌ایم ولی آمریکا نزد ما پولی ندارد که امکان اجرای رای را داشته باشیم؛ این آرا در مرحله مذاکره قابل‌طرح هستند. راه‌حل دوم ایجاد یک دیوان داوری بین‌المللی بین ایران و ایالات متحده آمریکا است، مثل دیوانی که برای حل اختلافات ایران و آمریکا در قضیه گروگان‌گیری اتفاق افتاد ولی تشکیل چنین دیوانی هم دور از دسترس است. سومین راه‌حل، مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری است. اگرچه ممکن است دیوان صلاحیت خود را برای رسیدگی به این دعوا نپذیرد ولی به احتمال قریب‌به‌یقین با طرح دعوا در دیوان